

## امیر خسرو دهلوی در دربار هرات

ابوالحسن ملقب به یمین‌الدین و معروف به امیر خسرو بزرگترین و معروفترین شاعر فارسی در هند است. وی از قبیله‌ای ترک نژاد به نام لاجین بود و خانواده وی در شهر کش در نزدیکی سمرقند (ازبکستان کنونی) زندگی می‌کرد. این خانواده و قبیله لاجین با افغان‌ها هم مرتبط بود. وقتی که چنگیز خان به این نواحی حمله کرد، این قبیله از زادگاه خود به بلخ در افغانستان منتقل شد. بلخ در آن زمان شهری بزرگ بود و حصاری هم داشت.<sup>۱</sup> در سال ۱۲۲۰ م چنگیز خان با سربازان خود ترمذ و بخارا را ویران ساخت و سپس به بلخ روی آورد. در نتیجه حمله چنگیز خان به بلخ، در ۱۲۰۰ مسجد و ۲۰۰ حمام، که شاهد عظمت همه جانبه این شهر تاریخی بود، کسی نبود که چراغ روشن کند.<sup>۲</sup> امیر سیف‌الدین پدر امیر خسرو ریاست یکی از گروه‌های قبیله لاجین به نام هزاره را به عهده داشت. او با این گروه هزاره در زمان حمله چنگیز به بلخ یا بعد از آن در میان سالهای ۱۲۲۱ و ۱۲۳۵ م بلخ را ترک گفت و عازم هند شد. در آن زمان سلطان شمس‌الدین ایلتتمش در هند حکومت داشت و هند تا این وقت به هر صورت از حملات چنگیزی در امان بود.

سیف‌الدین لاجین با دربار ایلتتمش ارتباط برقرار کرد و بالاخره جاگیری (اقطاع) معمولی در پتیالی (معروف به مؤمن‌پور) واقع در ایته کنونی (Etah) در ایالت اترپردیش بدست آورد. سیف‌الدین لاجین با دولت‌ناز، دختر امیر عمادالملک، ازدواج کرد.

۱. ترکستان در دوره حمله منگول، ج ۱، چاپ مسکو، ص ۵۴۵.

۲. چنگیز خان در افغانستان (مقاله به زبان فارسی) از م.گ. بیکولین، مسکو، ۱۹۷۰ م، ص ۵-۱۳۲.

سیف‌الدین از همسر هندی خود چهار فرزند (سه پسر و یک دختر) داشت. ابوالحسن امیر خسرو سومین فرزند خانواده بود و در سال ۶۵۱/هـ ۱۲۵۳ م در پتیالی دیده به جهان گشود. یکی از محققین امروز سعی کرده است به اثبات برساند که خسرو در دهلی به دنیا آمده بود.<sup>۱</sup>

خسرو از خردسالی آموزش ادبی نیکو و شایسته‌ای دید و در هشت سالگی به شعرگویی پرداخت. چون امیر سیف‌الدین در جنگی به قتل رسید، خسرو زیر سرپرستی پدر بزرگ مادری خود عمادالملک که یکی از امرای بلندپایه حکومت آن وقت بود، درآمد.

امیر خسرو چون به سن بلوغ رسید، به شرف ارادت سلطان‌المشایخ حضرت خواجه نظام‌الدین اولیا (م: ۷۲۵/هـ ۱۳۲۵ م)، عارف نامدار سلسله چشتی در دهلی، مشرف شد و به انواع مراسم و شفقت مخصوص گردید و به نظر خاص ملحوظ شد. خسرو هم با این پیر محترم چنان خود را پیوند داد که تا آخر عمر از در ارادت او انحراف نکرد. خسرو اشعار خود را به خدمت حضرت نظام‌الدین اولیا تقدیم می‌کرد. روزی خواجه نظام‌الدین اولیا به خسرو پیشنهاد کرد که به طرز و سبک صفاهانیان باید شعر بگوید یعنی شعر باید عشق‌انگیز و زلف و خال‌آمیز باشد. از آن روز امیر خسرو در زلف و خال بتان پیچید و آن خصوصیات را به حدّ اعلاّی خود رسانید.<sup>۲</sup> خود این پیشنهاد خواجه نظام‌الدین اولیا نشان می‌دهد که مرشد به آینده خسرو حتی در شعر هم علاقه داشت و در رشد همه جانبه این مرید خود می‌کوشید. بیشتر غزلیات امیر خسرو که در پنج دیوان ضخیم او گنجانیده شده، به همین طرز سروده شده است و ترجمان این حقیقت است که خسرو هم این پیشنهاد مرشد مشفق خود را نادیده نگرفت.

امیر خسرو اوّل به دربار غیاث‌الدین بلبن سلطان مملوک هند راه یافت و بعد از مرگ عمادالملک، پدر بزرگ مادری خود، به دربار ملک جهجّو علاء‌الدین محمد کشلی خان، برادرزاده بلبن، متعلق شد. سپس او به خدمت بغرا خان پسر خرد بلبن رسید و بعد

۱. امیر خسرو دهلوی، ممتاز حسین، دهلی، (این بحث در چند صفحه‌ای در آغاز گنجانیده شده است).

۲. سیرالاولیا، محمد کرمانی، چاپ پاکستان، ص ۳۱۱.

از آن به شاهزاده محمد سلطان مخاطب به قآن ملک پسر بزرگ بلبن که حاکم مُلتان بود، پیوست و به مُلتان رفت. چون شاهزاده محمد سلطان در جنگ با منگولها به قتل رسید، خسرو ملازم حاتم خان امیر علی سرجاندار در منطقه اوده شد. خسرو علاوه بر این حاکمان، با دربارهای معزالدین کیقباد (۶۸۶-۶۸۹ هـ) جلالالدین فیروزشاه خلجی، علاءالدین محمد شاه خلجی، قطبالدین مبارکشاه خلجی هم ارتباط داشت و غیاثالدین تغلق و سلطان محمد تغلق از جمله پادشاهان تغلقیه هستند که از امیر خسرو سرپرستی کردند. خسرو بعد از زندگانی فعال در سال ۷۲۵ هجری درود به حیات گفت و در نزدیکی مقبره مرشد خود خواجه نظامالدین اولیا در دهلی به خاک سپرده شد.

خسرو پنج دیوان شعر خود را ترتیب داد که به جز مثنویات، غزل و قصاید و قطعات و رباعیات او را در برمی گیرد و عبارتند از:

۱- تحفة الصغر، ۲- وسط الحیات، ۳- غرة الکمال، ۴- بقیه نقیه، ۵- نهاية الکمال.

اسم مثنوی‌های خسرو بدین قرار است: (خمسه)

مطلع‌الانوار در برابر مخزن‌الاسرار نظامی گنجوی، شیرین خسرو بر وزن خسرو شیرین نظامی، مجنون و لیلی در پیروی از لیلی و مجنون نظامی، آیینة سکندری بر وزن اسکندرنامه نظامی، هشت بهشت بر وزن هفت پیکر نظامی؛ مثنویات تاریخی: قران‌السعدین، مفتاح‌الفتوح، دولرانی خضر خان، نه سپهر، تغلق‌نامه، علاوه بر این آثار منظوم، امیر خسرو دهلوی اثری به نام اعجاز خسروی یا رسایل‌العجاز را به نثر هم نگاشته است<sup>۱</sup> و خزاین‌الفتوح در تاریخ علاءالدین محمد خلجی به نثری مصنوع به نگارش درآورده است. همچنین افضل‌الغواید را که ملفوظات خواجه نظام‌الدین اولیاست، به او منسوب کرده‌اند.

نظر به اهمیت آثار امیر خسرو، سهم شایسته او در پیشرفت نثر و نظم فارسی مورد بررسی دامنه‌داری قرار گرفته است. بیشتر منتقدین ادب فارسی معتقد به عظمت و چیره‌دستی این شاعر فارسی‌گوی هند هستند و درباره او چنین نظر داده‌اند که:

۱. این اثر خسرو اخیراً به انگلیسی برگردانده شده است و از حیدرآباد، هند در سال ۲۰۰۷ م به چاپ رسیده است.

”وی امیر شعرا و خسرو بلغاست. در نظم و نثر صاحب معجزه بوده است. الحق بعضی از افکار بلاغت آثارش چنان واقع شده که هریک بیت با صد هزار بیت برابری می‌کند“<sup>۱</sup>.

باید خلاصه کرد که همه تذکره‌نگاران از هنر شعر خسرو تقدیر نموده‌اند و به اثبات رسانده‌اند که لقب «طوطی هند» به درستی به او می‌سزد. عظمت و نبوغ خسرو را از این زاویه هم باید سنجد که او در خارج از وطن خود، هند، چه اندازه مورد پسند صاحبان ذوق قرار گرفته است و آنها درباره آثار خسرو چه نظرهایی داشته‌اند.

این بیت حافظ شیرازی که خودش شاعری فوق‌العاده صاحب امتیاز است، شهرت و محبوبیت امیر خسرو را حداقل در ایران نشان می‌دهد:

شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به‌بنگاله می‌رود

چنان به نظر می‌آید که حاکمان تیموری به شخصیت و آثار امیر خسرو علاقه خاصی داشتند. بایسنغر (۸۳۷-۸۰۲ هـ) ابن شاهرخ میرزا و برادر الغ بیگ شاهزاده تیموری ذوق ادبی و هنری داشت و آثار و اشعار فارسی را به‌دقت مطالعه می‌کرد. مجلس او مجمع شعرا، مورخان، خوشنویسان و نقاشان ایرانی بود. خود او در خط استاد بود. او دستور داد نسخه‌ای از شاهنامه را برای وی استنساخ کردند. این نسخه خطی در سال ۸۲۹ هجری کتابت شد. وی همچنین تلاش‌های زیادی برای جمع‌آوری شعر خسرو انجام داد. او یکصد و بیست هزار بیت خسرو را جمع ساخته که دو هزار بیت از غزلیات او را جایی دیگر یافتند که در دیوان او نبود. پس بایسنغر پی برد که گردآوری اشعار خسرو امری «متعذرالوصول» و آرزویی «متعسرالوصول» است. بنابراین جمع‌آوری آثار خسرو را ترک گفت.

بایسنغر درباره آثار خسرو با صاحبان نظر عصر خود تبادل نظر می‌کرد. او خسته امیر خسرو را بر خسته نظامی گنجوی ترجیح می‌داد ولی برادرش الغ بیگ این نظر او

۱. ریاض‌الشعرا: واله داغستانی، تصحیح پروفیسور شریف حسین قاسمی، کتابخانه رضا رامپور، ص ۲۳۴.

را نمی‌پذیرفت و خمسه نظامی را فوقیت می‌داد. مابین این دو شهزاده تیموری در این مورد بحث و مباحثه صورت گرفت. پس از نقل این پیش‌آمد درباره اختلاف نظر دو شاهزاده نامبرده، دولت شاه سمرقندی خلاصه می‌کند: اگر آن عصیبت در این روزگار بودی، خاطر نقاد جوهریان بازار فضل این روزگار که عمرشان به‌خلود پیوسته، به‌او (بایسنغر) راه ترجیح نمودندی و رفع اشتباه کردندی.<sup>۱</sup>

تا حدی که اینجانب اطلاع دارد، این دربار هرات بود که در آنجا شخص خسرو و آثار گوناگون او مورد مطالعه و ارزیابی انتقادی قرار گرفت و سپس، چنانکه باید، از وی تقدیر به‌عمل آمد. شاه سلطان حسین (م: ۹۱۱ هـ) ابن منصور ابن بایقرا آخرین پادشاه بزرگ تیموری است که در خراسان تا سی و هشت سال از ۱۴۷۰ تا ۱۵۰۶ م حکومت کرد. هرات پایتخت او بود. این پادشاه تیموری از حامیان علم و فضل و از طرفداران جدی ادبیات و صنایع بود. خودش شاعری بود صاحب ذوق و با شخصیت و به آثار امیر خسرو دهلوی علاقه زیادی نشان داد. در نتیجه این علاقه او به آثار خسرو، شعرای بزرگ دربار او توجه خود را به ارزیابی و پیروی از آثار و هنر شعر خسرو مبذول داشتند.

باید به این حقیقت هم اشاره شود که سلطان حسین میرزا سرپرست و حامی بزرگ شعر و هنر بوده است. هرات به سرپرستی او به شکل مرکز بزرگ فعالیت‌های هنری در آن دوره جلوه کرد. این شهر بزرگ و تاریخی خراسان در آن زمان غالب به یقین بزرگترین و معروفترین مرکز زبان و ادبیات فارسی بود. خود سلطان حسین میرزا آثار خسرو را مطالعه می‌کرد و براساس این مطالعه دقیق می‌گفت که خسرو بنابر نبوغ خود در هنر شعر از بحور و اوزان گوناگون در شعر استفاده کرده است که بعضی از آنها عادی و معروف نیستند. بنابراین او از دانشمندان و آنهایی که با عروض آشنایی داشتند، خواستار شد که وزن و بحور غزلیات خسرو را بالای هر غزل بنویسند.

علاوه بر سلطان حسین میرزا، امیر علی شیر نوایی (۱۰۰۰-۹۰۶ هـ) وزیر نامدار این پادشاه و حقیقتاً دست راست او در اداره مملکت، از جمله شخصیت‌های علمی و ادبی دوران خود بود. وی صاحبان ذوق را تربیت می‌کرد و از آنها به‌طور سخاوتمندانه‌ای

۱. تذکره الشعرا، ص ۱۵۹.

سرپرستی می‌کرد. وی خود شاعر چیره‌دستی بود و به هر دو زبان فارسی و زبان مادری‌اش ترکی چغتایی شعر می‌سرود. در شعر فارسی «وفایی» و در ترکی «نوایی» تخلص می‌کرد. آثار منظوم و منثور وی به زبان‌های ترکی و فارسی که به چاپ رسیده‌اند، ترجمان ذوق و سلیقه عالی ادبی او هستند و هم نشان می‌دهند که او با روایات حسنه ادبی فارسی و ترکی آشنایی کامل داشت و براساس آن روایات می‌توانست اندیشمندانه شعر بسراید.

در اثر ذوق ادبی خود و به‌منظور آشنایی بهتر با تاریخ و سنن علمی و ادبی مشرق زمین، نوایی کتابخانه‌ای بزرگ ترتیب داده بود. نظر به فعالیت‌های او، این کتابخانه تنها مکانی برای نگهداری کتاب نبود بلکه عملاً دارالفنونی بود که نوایی در آنجا افراد برجسته علمی و ادبی را جمع نموده بود و برای آنها نه تنها وسایل بهتر زندگی را فراهم می‌کرد بلکه افراد مرتبط با این کتابخانه از تجربیات گسترده و مشاهدات عمیق صاحب کتابخانه نیز استفاده می‌کردند. کمال‌الدین بهزاد نقاش معروف که حتی امروز هم برای هنر نقاشی خود در سراسر جهان شناخته شده است، به این وزیر با فرهنگ بايقرا وابسته بود. براؤن، مورخ معروف ادبیات فارسی درباره بهزاد نظر می‌دهد که: «وی بدون شک و تردید باید مائیسیناس عصر و کشور خود تلقی شود».

بهزاد آثار خسرو را مورد تقدیر و ستایش قرار می‌داد و علتش شاید بیشتر این بود که مرثیان او، بايقرا و نوایی، آثار خسرو را برای خود نمونه قرار داده بودند. شعر فارسی و ترکی نوایی تأثیر سبک و اندیشه خسرو را نشان می‌دهد. نوایی در آثار منظوم و منثور خود به فارسی و ترکی، شعر و سبک امیر خسرو را ارزیابی نموده و آنها را ستایش کرده است.

علاوه بر عبدالرحمن جامی، آخرین شاعر بزرگ دوره کلاسیکی ادبیات فارسی و نوایی، شعرای دیگر آن دوره در هرات مثل مولانا هاتقی، بنایی، قطب‌الدین امیر حاج جنابذی و غیره نیز خسرو را در شعر نمونه خود قرار دادند و در غزل، قصیده و مثنوی از خسرو پیروی کردند.

آخرین دوره حکومت تیموریان در هرات از لحاظ موفقیت‌های هنری و ادبی حایز اهمیت خاصی است. در این دوره تعدادی از علما و فضلا و شعرا به سرپرستی سلطان

حسین میرزا و نوایی به هرات آمدند. در آن دوران شور و بحثهای ادبی صورت می‌گرفت و آثار اساتید گذشته به محک نقد و ارزیابی گذاشته می‌شد. نوایی درباره شخصیت و شعر امیر خسرو دهلوی نظر می‌دهد:

”در شعر کسی نظیر او نیست و به حقیقت خسروی شعر است و این خسروی او از نظر کیمیا اثر شیخ نظام‌الدین اولیاست و چون به صحبت شیخ رسیده... بعد از این ابواب انواع شعر برو گشاده گشته و ازین است که در همه انواع اشعار قدرت بسیار دارد و در هر نوع شعر مثل قطعه و غزل و قصیده و مثنوی بی نظیر است و جمع اشعار او دلپذیر و جمیع اشعار او مقبول همه طوائف است و چون بحرهای خوش و ردیفهای دلکش که ملایم غزل است، اختیار کرده، حالتی در غزل او هست که در غزل کسی دیگر نیست و در اول نظر تتبع آن آسان می‌نماید و در آخر ممتنع، از این جهت شعر او را سهل ممتنع می‌گویند.“<sup>۱</sup>

همچنین نوایی درباره دانشمندی به نام مولانا عبدالقهار و علاقه‌اش به شعر خسرو اطلاع می‌دهد:

”مولانا عبدالقهار دانشمند خوب روزگار بود و در هری در میان دانشمندان سرآمد می‌نمود، لیکن در هوای کیمیا رنج بی‌نهایت و زحمت بی‌غایت کشید و هرگز فایده از آن ندید بلکه ماده سودا بگوش او ریخت. آخر الامر کر گردید. این مطلع در جواب خسرو ازوست:

رشکم آید ز آنچه بر دل‌ها خدنگ یار کرد تیر او بر غیر خورد و بر دل من کار کرد  
سید قطب‌الدین امیر حاج جنابذی که در غزل «انسی» و در قصاید «امیر حاج»  
تخلص می‌کرد، شاعری دیگر از معاصران سلطان حسین میرزا و امیر علی شیر نوایی  
است که شعر خسرو را نمونه‌ای برای کار خود قرار داده بود. او باری چهل غزل امیر  
خسرو را که امیر علی شیر نوایی مطرح کرده بود، در یک مجلس گفته موسوم به اربعینه  
نمود. امیر علی شیر نوایی به خدمت وی آمد و صله نمایان به او داد.<sup>۲</sup>

۱. مجالس‌النفایس: میر علی شیر نوایی، تهران، ۱۳۶۳ ه.ش، ص ۳۵۶.

۲. ریاض‌الشعرا، ص ۳۲.

چنانکه می‌دانیم خسرو آثار منظوم خود را از لحاظ تاریخی ترتیب داده است و بنابراین دواوین شعر خود را به‌عنوانهای تحفه‌الصغر، وسط‌الحیات، غرة‌الکمال، بقیه نقیه و نه‌ایة‌الکمال موسوم ساخته است. نوایی هم در پیروی از امیر خسرو مجموعه‌های شعر ترکی خود را به‌عنوانهای غرایب‌الصغر، نوادرالشباب، بدیع‌الوسط و فواید‌الکبر خوانده است.

خسرو قصاید زیادی سروده و چنان گمان می‌رود که او در این قصاید فقط از پادشاهان و دولتمردان عصر خود مدح و ستایش کرده است ولی این نظر درستی نیست. در حقیقت تعداد زیادی از قصاید امیر خسرو درباره موضوعاتی مثل موعظت و اندیشه‌های فلسفی و عرفانی است. در این‌گونه قصاید می‌توان اصل شخصیت خسرو را دید و فن و فکر و اندیشه او را دریافت. یکی از قصاید او موسوم به «دریای ابرار»<sup>۱</sup> است که با این مطلع شروع می‌شود:

کوس شه خالی و بانگ غلغش در دسر است هر که قانع شد به خشک و تر، شه بحر و براست  
این قصیده دارای یکصد و شش بیت است و از نظر افکار فیلسوفانه و عرفانی خسرو شاهکار قابل ملاحظه‌ای است. خسرو این قصیده را در پیروی از قصیده فریدالدین عطار سروده که بیتی از آن بدین‌قرار است:

این قصیده هست ای عطار دریای سخن

لفظ او همچون صدف، معنی چو درّ و گوهر است

باید یادآور شد که تعدادی از شعرای برجسته فارسی، قصیده عطار را که در حقیقت سرچشمه‌ای برای قصیده خسرو است، نادیده گرفته و قصایدی را در پیروی از قصیده فوق‌الذکر خسرو سروده‌اند. بنابراین می‌توان حدس زد که این شعرا فکر می‌کردند که قصیده خسرو بر اصل قصیده عطار فوقیت دارد و باید نمونه‌ای برای قصاید آنها قرار گیرد.

۱. استاد خلیل الله خلیلی این قصیده امیر خسرو را در مقاله‌ای عالمانه ارزیابی نموده است. (رک: مجلس امیر خسرو بلخی، گردآورنده فقیر محمد خیرخواه، افغانستان ۱۳۵۴، ص ۲۹۳)



محتوای قصیده نامبرده خسرو نشان می‌دهد که این شاعر نامدار فارسی زبان هند تا چه اندازه تحت تأثیر تعلیمات مرشد خود خواجه نظام‌الدین اولیا قرار داشت. خسرو در این قصیده امیری صاحب جاه و جلال نیست که بر آستانه مرشد خود سر تسلیم خم کرده باشد. برعکس او در این قصیده معلّمی است که با عصایی در دست، بر منبری ایستاده و ارزش‌های اخلاقی و اصول ارتباط دوستانه و برادرانه بین انسانها را تعلیم می‌دهد و پند و نصیحتی برای زندگی مفید و سازنده ارائه می‌کند. این قصیده دالّ بر تسلّط فوق‌العاده زیاد خسرو بر زبان‌های فارسی و عربی است. به‌علاوه تشبیهات جالب توجه، اندیشه‌های نو، بیان مؤثر، استدلال شاعرانه و توجیحات دلنشین، این قصیده خسرو را تأثیری بی‌نظیر بخشیده و به‌عنوان شاهکاری جاودانه درآورده است. نوایی در خمسة‌المتحرین خود که بعد از وفات جامی تألیف گردید، به‌اطّلاع خواننده می‌رساند که:

”روزی بحث ادبی در حضور جامی ادامه داشت. کسی در این مجلس ادبی به‌قصیده دریای ابرار خسرو اشاره کرد. من هم از این قصیده فوق‌العاده ستایش کردم و این‌قدر دانی بی‌اساس نبود زیرا که چنین گمان می‌رود که امیر خسرو می‌گفت که اگر تمام آثار من به‌مرور زمان نابود شوند و فقط این قصیده باقی می‌ماند، این قصیده برای تداوم شهرت و پایه بلند من در تاریخ نظم فارسی کفایت می‌کند!“

علّتش این است که هرکسی که این قصیده را می‌خواند، تسلّط فوق‌العاده زیاد خسرو بر شعر فارسی را درک می‌کند. نوایی سپس می‌نویسد که این ستایش زیاد از قصیده خسرو در حضور جامی مناسب به‌نظر نیامد. خود جامی هم به‌این نظر نوایی در آن وقت عکس‌العملی نشان نداد. مجلس به‌هرصورت به‌پایان رسید. ضمناً سلطان حسین میرزا عازم مرو گردید. نوایی را هم گفتند که بعد از چند روز به سلطان ملحق شود. نوایی برای دیدن جامی رفت تا اجازه بگیرد که به‌مرو رود. در این وقت جامی کاغذی را از جیب خود بیرون آورد و به‌نوایی داد. این قصیده‌ای بود به‌عنوان

۱. نوایی این نظر خود را در محاکمات‌اللغتين (ص ۳-۹۲) هم تکرار کرده است.

«لجّة الاسرار» در جواب «دریای ابرار» امیر خسرو. این قصیده جامی چنین شروع می‌شود:

کنگر ایوان شه، کز کاخ کیوان برتر است      رخنه‌دان کش به دیوار حصار دین در است  
این قصیده جامی رنگین‌تر و مستحکم‌تر از قصیده خسرو است. بعداً نوایی به سفر پرداخت. قرار بود تا هفت منزل مسافرت کند. نوایی می‌خواست قصیده‌ای به همین وزن و بحر بسراید. او دوران سفر مطلعی گفت و به جامی فرستاد که اگر این مطلع مناسب درآمده، اجازه بدهد که قصیده را کامل کند. جامی اجازه داد و نوایی در پیروی از خسرو قصیده‌ای ساخت به‌عنوان «تحفة الافکار» که مطلعش این است:  
آتشین لعلی که تاج خسروان را زیور است      اخگری بهر خیال خام پختن در سر است  
دولت شاه سمرقندی می‌گوید که:

”فن شعر خسرو، نوایی را سخت تحت تأثیر گذاشت و این قصیده امیر خسرو در مجالس مشایخ مورد پسند قرار گرفت.“<sup>۱</sup>

امیر شیر نوایی از بعضی قصاید دیگر امیر خسرو هم پیروی کرده و در تقلید آنها قصایدی سروده است. خسرو قصیده‌ای دارد به‌نام «مرأة الصفا» که مطلعش بدین قرار است:

دل‌م طفل است و پیر عشق استاد زبان دانش      سوادالوجه سبق و مسکنت کنج دبستانش  
نوایی این قصیده خسرو را نمونه قرار داده، قصیده‌ای ساخت با این مطلع:  
معلم عشق و پیر عقل دان طفل سبق خوانش

پی تأدیب طفل اینک فلک شد چرخ گردانش  
نوایی خیلی طرفدار امیر خسرو بوده است. او خمسه‌ای به‌زبان ترکی سرود که در پیروی از خمسه خسرو است. اسم‌های پنج مثنوی نوایی بدین‌قراراند:  
حیرة‌الابرار، فرهاد و شیرین، لیلی و مجنون، ساء سکندری و سبعة سیاره.  
این خمسه نوایی از لحاظ سبک، طرح و مطالب تا حدی نزدیک به خمسه امیر خسرو است که بعضی منتقدین چنین فکر می‌کنند که نوایی خمسه خسرو را به‌ترکی

۱. تذکرة الشعراء، ص ۹-۵۶۲.

ترجمه کرده است. باید یادآور شد که نوایی در آخر هر مثنوی خمسه خود از نبوغ خسرو در شعر تقدیر نموده و تأثیرپذیری از خسرو را پذیرفته است.

ملاً عبدالرحمن جامی چنانکه گفته شد، آخرین نماینده برجسته ادبیات کلاسیکی فارسی است. او در دربار سلطان حسین میرزا و میر علی شیر نوایی مقامی محترم داشت و حتی عموم مردم هم به او به عنوان «عارف کامل» احترام می گذاشتند. جامی هم آثار امیر خسرو را با توجه مطالعه می کرد.

باری مولانا جمالی دهلوی، عارف سلسله سهروردی دوران مسافرت به جهان اسلام به هرات رسید تا از محضر جامی هم استفاده کند. جامی معنا و مفهوم بعضی ابیات خسرو را که برایش مفهوم نبودند، از جمالی پرسید. علاوه بر این، جامی خمسه خود را به تقلید از خمسه خسرو و نظامی سروده است و معترف است که:

نظامی که استاد این فن وی است	ازین بزمگه شمع روشن وی است
ز ویرانه گنجه شد گنج سنج	رسانیده گنج گهر را به پنج
چو خسرو به آن پنجه هم پنجه شد	وزان بازوی فکرتش رنجه شد
من و شرمساری زده گنجشان	که این پنج من نیست ده پنجشان

جامی بعضی ابیات امیر خسرو را شرح هم کرده است. رسایل مختصری که شرح ابیات خسرو دارند، حالا به چاپ هم رسیده اند. جامی ابیات زیر امیر خسرو را شرح کرده است:

ز دریای شهادت چون نهنگ لا برآرد سر      تیمم فرض گردد نوح را در عین طوفانش  
و این بیت از مثنوی قران السعدین:

ماه نوی کامل وی از سال خاست      گشت یکی ماه بده سال راست<sup>۱</sup>

چنانکه قبلاً گفته شده است، بعضی از نقاشان چیره دست هم به دربار سلطان حسین میرزا وابسته بودند. اینها نقاشی مینیاتور را به اوج رساندند. معروفترین اینها کمال الدین بهزاد بود که اسمش در ادبیات فارسی بویژه شعر زیاد برده شده است.

۱. علی اصغر حکمت در کتاب خود به نام جامی به این شرحهای ادبیات خسرو اشاره کرده است. این کتاب را سید عارف نوشاهی به اردو برگردانده است که از لاهور در سال ۱۹۸۳ م به چاپ رسیده است.

چون امیر خسرو در هرات یکی از شعرای محبوب و مطلوب بوده، بهزاد و بعضی از شاگردان او آثار خسرو را با نقاشی‌های خود تزیین نمودند و مینیاتورهایی را به‌مناسبت و مطابقت بعضی از مطالب آثار خسرو کشیدند و در آن آثار گنجاندند.

تعدادی از نسخ خطی آثار امیر خسرو تاکنون در کتابخانه‌های مختلف جهان نگهداری می‌شود که دارای این مینیاتورها هستند و ارزش آنها را بالا برده‌اند. این نقاش‌ها تزیین‌کاری و نقاشی آثار امیر خسرو را به‌دستور سلطان حسین میرزا و شیر علی نوایی به‌عمل آورده‌اند.

آثار امیر خسرو که دارای نقاشی‌های بهزاد و شاگردانش هستند و در هرات به‌وجود آمدند، به‌قرار زیر می‌باشند:

۱. نسخه خطی دیوان امیر خسرو در کتابخانه سپهسالار، تهران (به‌شماره ۴۶۱) مورخ ۸۸۶ هـ/۱۴۸۱ م دارای نقاشی‌هایی از بهزاد است.

۲. مثنوی لیلی مجنون که نسخه خطی آن در کتابخانه سینت پیترزبرگ (به‌شماره ۳۹۴) نگهداری می‌شود، نقاشی‌هایی از شاگردان بهزاد دارد و در سال ۱۵۰۰ م استنساخ شده است.

۳. نسخه خطی خمسه امیر خسرو در کتابخانه چسترییتی، دبلن (به‌شماره ۱۶۳) از هر لحاظ نسخه‌ای نفیس است و یکی از خوشنویسان معروف هرات محمد ابن اظهر آن را در سال ۸۹۰ هـ/۱۴۸۵ م کتابت کرده است. این نسخه دارای سی و پنج نقاشی است که پنج عدد از آنها نتیجه هنرمندی بهزاد و نقاشی‌های دیگر نتیجه تلاش‌های شاگردانش است.

۴. نسخه خطی مثنوی هشت بهشت خسرو در کتابخانه موزه کاخ توپ کاپی نگهداری می‌شود که دارای نقاشی منظره شکار است و این نقاشی را به‌بهزاد منسوب می‌کنند.

حسن اتفاق است که یکی از کتیبه‌هایی را که روی بنای مقبره امیر خسرو دهلوی نصب است، شاعری از هرات ساخته است. این کتیبه به‌دستور مهدی خواجه در دوره سلطنت بابر پادشاه تیموری آماده شده بود و شهاب‌الدین معنایی هراتی آن را سروده و تعلق خاطر اهل هرات را با امیر خسرو دهلوی نگهداشته است. این کتیبه بدین‌قرار است:

مهدی خواجه سید با جاه و جلال  
 شد بانی این اساس بی‌شبه و مثال  
 گفتم سعی جمیل مهدی خواجه  
 تاریخ بنای او چو گردید سؤال

حرره شهاب‌الدین المعتمای الهروی

این استقبال از آثار خسرو در هرات در دوران حکومت سلطان حسین میرزا نشان می‌دهد که امیر خسرو در آن دوره در هرات شاعری شناخته شده و مورد احترام صاحبان ذوق بود. باید دو مرتبه یادآور شد که دربار هرات در آن هنگام مرکز بزرگ ادبیات فارسی بود و شعرا و نویسندگان از گوشه و کنار جهان فارسی در هرات جمع آمده بودند و آثار امیر خسرو را بنابر توصیه خود سلطان حسین میرزا و شیر علی نوایی مطالعه می‌کردند و در نتیجه با هند که زادگاه امیر خسرو دهلوی است و خسرو در آثار خود فرهنگ و تاریخ وطن خود را زیاد مطرح کرده است، آشنا می‌شدند. خسرو بنابراین به‌عنوان سفیر فرهنگی هند در آن دوره خدمات شایانی انجام داده است.

#### منابع

۱. ترکستان در دوره حمله منگول، ج ۱، چاپ مسکو.
۲. چنگیز خان در افغانستان (مقاله به‌زبان فارسی) از م.گ. بیکولین، مسکو، ۱۹۷۰ م.
۳. سیرالاولیا، محمد کرمانی، چاپ پاکستان.
۴. ریاض‌الشعرا: واله داغستانی، تصحیح پروفیسور شریف حسین قاسمی، کتابخانه رضا رامپور.
۵. مجالس‌التفایس: میر علی شیر نوایی، تهران، ۱۳۶۳ ه.ش.